

adl0277

<http://hdl.handle.net/2333.1/7sqv9s7f>

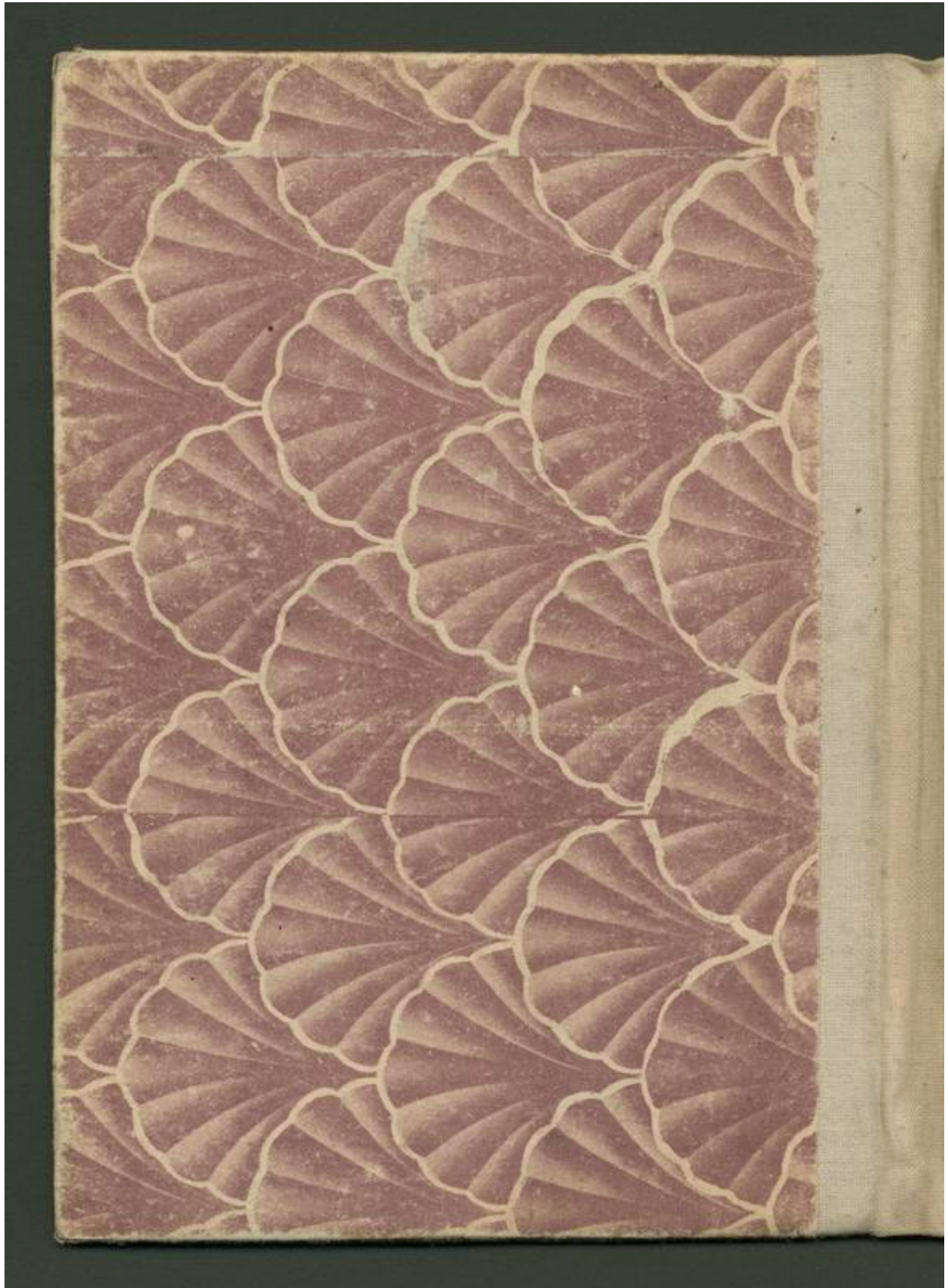


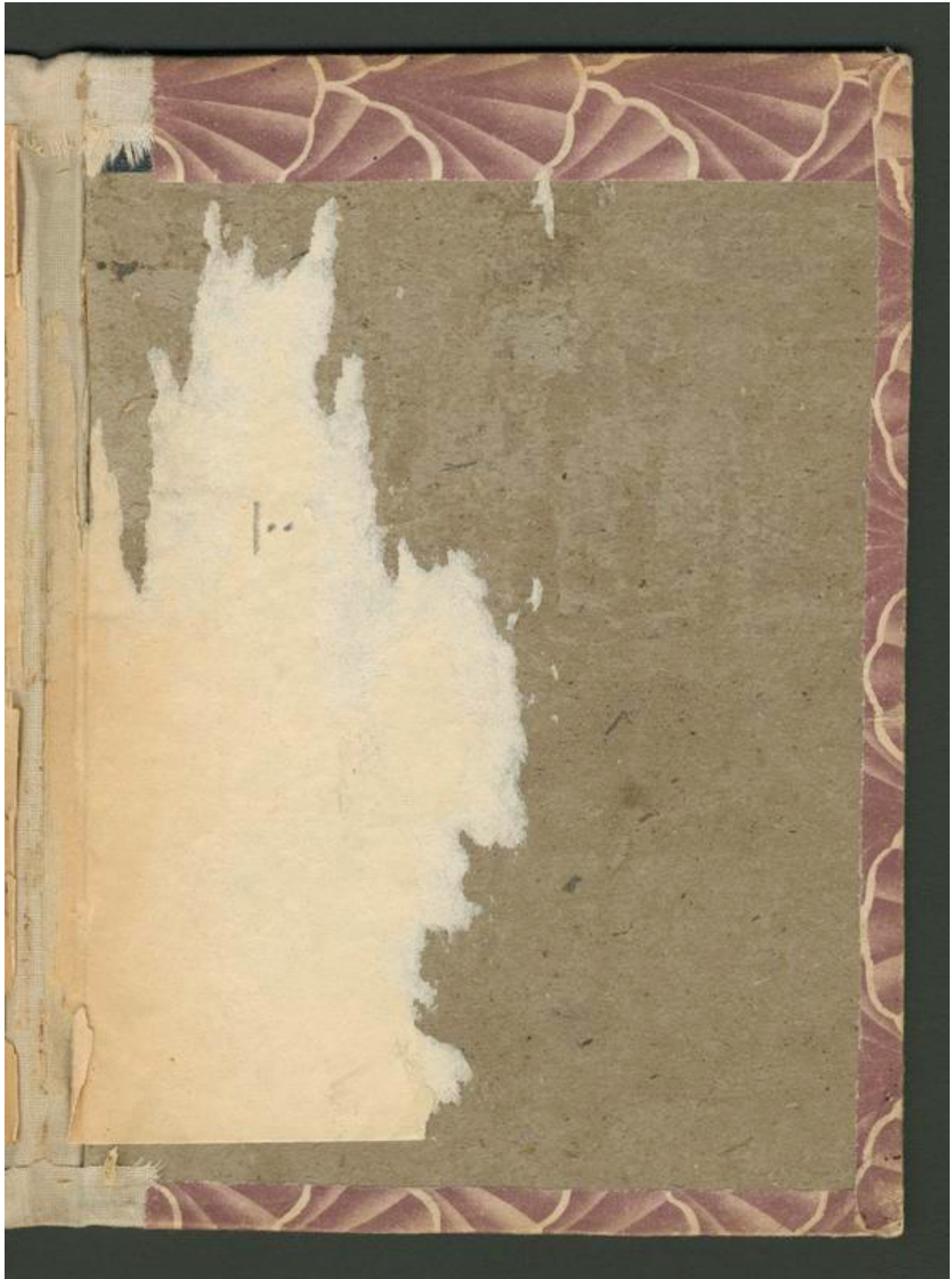
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

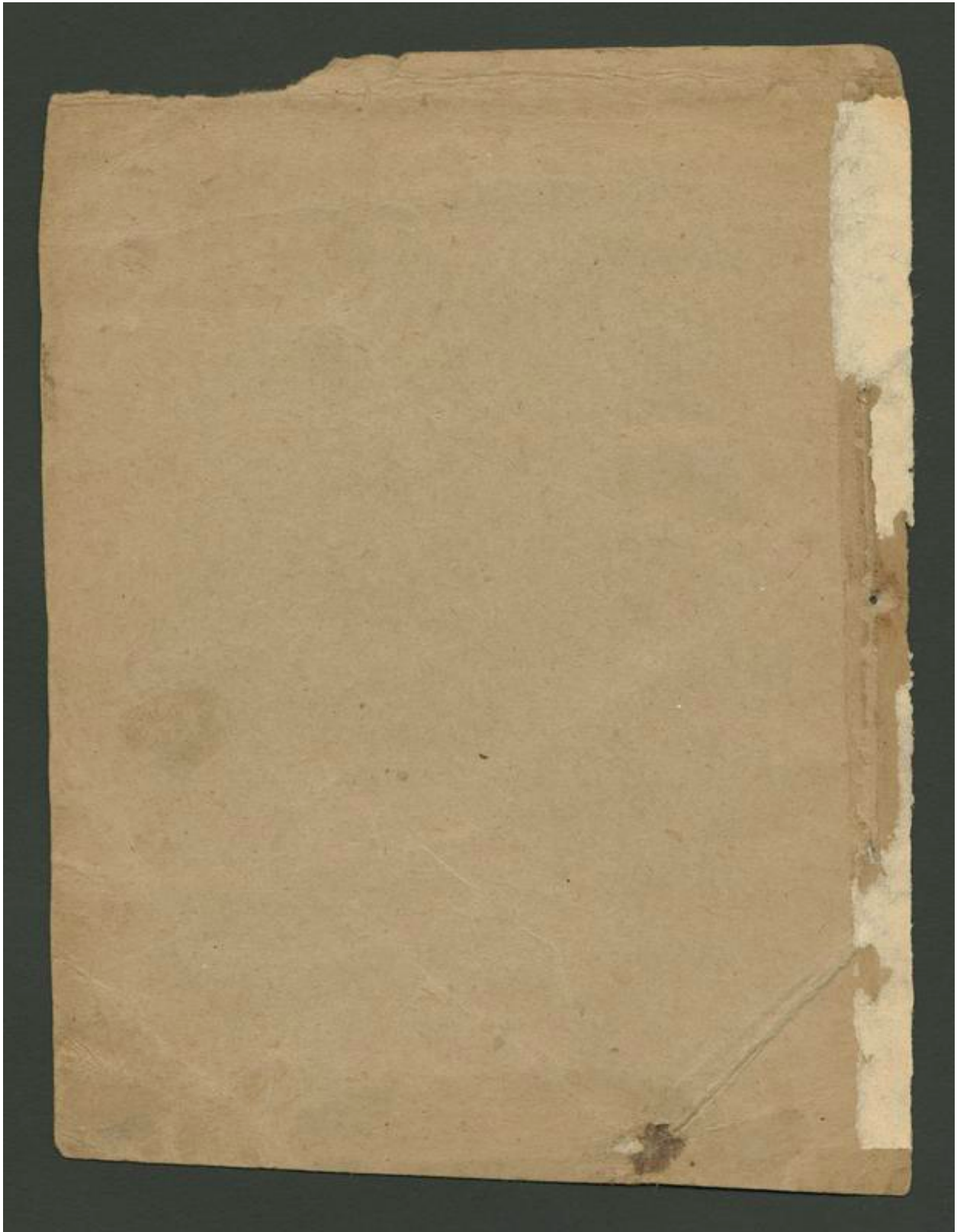
When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

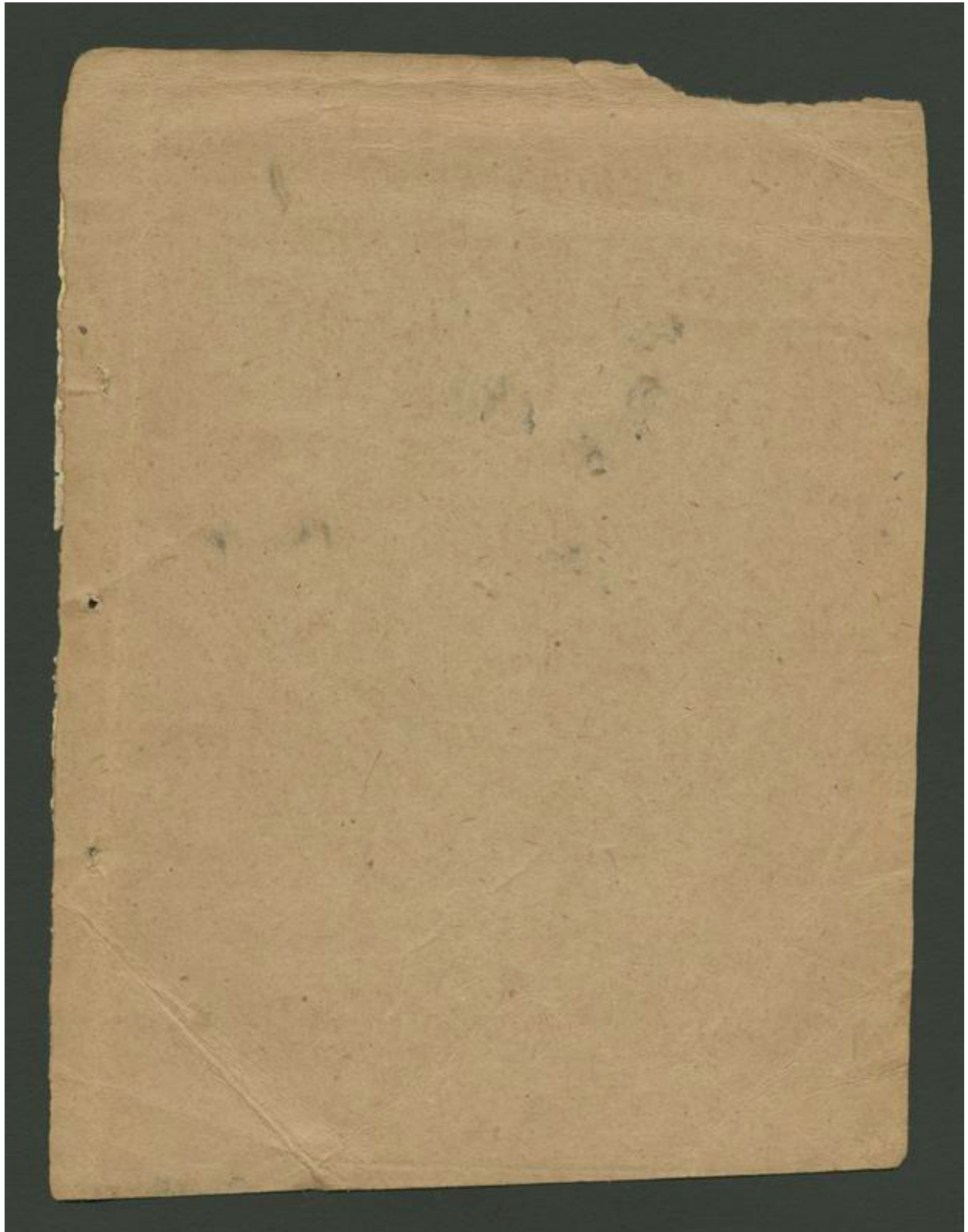
All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu









كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

حسب الفريمان تهرکار عظمت مدار این ساله می

عبد الملک بطریق
قواسراج فی یق

بسمی استمام قد می جانفشان الجاج عبد الخالق سپهر می خوا

در مطبع السلطنة کابل طبع شد

۲



بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بی قیاس و ستایش قبولیت ایاس
مرحضرت مالک الملکی را سزا است که بحکم
تبارک الذی بیدہ الملک و هو علی کل شیء قدیر
الذی خلق الموت والحیوة لیسئلکم انکم احسن عملا

ف

۳

فنا و موت را موعظه مسلمانان پاکدل گردانند
و بحسب تئوری قالب بدن بعد از فرق
روح و روان در کلام اعجاز نشان خود بکلیه
شم امامه فاقبره شتم اذا شاء الله عز و جل
و درود رحمت و روضه منیت نمودم حضرت
پیغمبر را در خورست که انداز و تحویف است
خیر الامم خود را بکلمه جامع جاء الموت بما فيه

۴

وحکمه لامعه اکثر و ذکر مدام اللذات المیت فی مود
و طریق قرب درگاه خداوندی را درین
اطوار بقا و قنایان سنن پاک و سیرت
مطهره خود بقول و فعل عیان داشته است
و بر آل طهارت مآل و صاحب هدایت
نصاب او خصوصاً آن چهار جوی بهشت
برین و تکیه گزینان چهار بالش سلطنت

ین

۵

دین مبین که خلفای راشدین و ائمه مهتدین اند
و سایر تابعین و اتباع ایشان الی یوم الدین
اما بعد چون درین اوقات بمیهن طقیات میر
سلطنت پادشاه افغانستان بجای سعادت
مانوس پادشاه دیانت آگاه اسلامیان
معاونت انقباه امیر بن الامیر بن الامیر بن الامیر
سراج المله والیدین امیر حبیب الله خان

۶
که یارب خطه این کشور دیانت اثر و طعم
این مملکت ملت سیراد ظل حمایت اود دریا
بی ظل وسعادت مال دار اود منقح و مبیست
و از کمال فضل و مرحمت حضرت آله این
پادشاه دیانت آگاه سلطنت دستگاه را
سبل خاطر و اشتیاق باطن و ظاهر حجاب
پرورش دین مبین حضرت سید المرسلین

۷

صلی الله علیه وسلم و علیهم اجمعین و ترویج
طریقه سنن حسنه دینیة و محو بدعات شنیعة
مانند آفتاب تابان روشن و نمایاست
از ان جمله بدعاتی چند و رسوماتی ناپسند بار
تغزیموات و طریق دفن میت و تغزیه
و صدقات و خیرات در دایر سلطه
صفحات مملکت رواج یافته بود خست

۸

پادشاه معظم الیه قاضی محکم شرعی عالیہ و علی
حاضرین دربار شوکت مدار خود امر واجب
الاطاعه و حکم واجب الادعان فرمودند
که احکام شرعیہ تجنیز و تکفین و دفن و تغیر
و صدقه نمودن را بر اموات مطابق
روایات قویہ مذہب مہذب خفیه
از کتب معتبره جمع نموده رساله مختصره مسمی

بقواعده

تقواعد سراج المملکة فی طریق التعمیر

تالیف نمایند تا از حضور دیانت ظهور

پادشاهی نهران نسخه از آن بقالب طبع یسند

و در جمیع بلاد ممالک محروسه فرستاده شد

امرونی الامر با جبر و انفاذ آن داده شود طایفه

سنت سنیه در کار اموات مغفرت یابا جایز

و از گرفتاری بدعت و طریقه نامشروع بزرگ

۱۰

وعاری باشد - لاجرم قاضی شریعت غرا
وعلمای عظام مهد و حین این رساله را
در باب غرور از کتب معتبره نقد شریعت
انتخاب نموده شرح باسم سامی و نام ناز
حضرت پادشاه اسلام پناه سلطنت مقا
ساخته معروض سر سلطنت داشتند
و ملازمان سر سلطنت مطیع و ارا سلطنت

بالتحریر

بر چاه و طبع آن گماشتند حق سبحانه و تعالی
توجه خاطر سلطنت و تحایر این پادشاه دیا
کیش را تبریج و استحکام دین متین و شریعت
میش از پیش و سایه سها پایه او را سبب حفاظت
جمع اهل اسلام از ضرر و گناه و خویش دارا
محمد صلی الله علیه و آله الامجاد و اصحاب الانجاء

بر جنتک یا ارحم الراحمین

۱۲

هو الله تعالى شاء

بر ضمایر اخلاص نظام هر عایای دولت
خدا داد افغانستان و ممالک محروسه آن
مخفی و پوشیده مباد اینک در خصوص
داری قبل ازین سر رشته که موافق و مطابق
شرع انور و همه شمایان دانسته میبود بدست
شرح فارسی مفصل نبود که بدسترا

ممول

۱۳

معمول میشدند دوم اینکه خرج زیادتر
در مردانه و زنانه بطریق سیال داری از طرف
شخص مرده داری نمیشد که غم مرده دار تر
از یک طرف و غم اخراجات مرده خانه سیال
از دیگر طرف برای شخص مرده دار میرسد
و از سبب مخارج زیاد مرده داری تکلیف
بسیاری بشمار میشد و همین خرج سیال

۱۳

که بالائی شخص مرده دار بود بدو ن از ضرر
در امور دینی و دنیوی منفعت داشت و تقاضا
حکم شرع انور یا چنین خرج منع میباشد بنابر
برای سر رشته خبر کردن و آمدن مردم و طریق
تکفین و تجهیز و استقاط و دفن مرده و برای خدا
دادن که از برای مرده لازم میشود و غیره است
مرده داری موافق و مطابق شرع انور رسالت

یعنی

۱۵

یعنی این کتاب شرح فارسی که شش بهشت
قاعده میباشد ساخته شده که بدقت از معمول
بدارند و آنچه خلاف شرع انور و کتابها
دینی است از شما صادر نشود تقسیم گاهی برای شما
تحریر فرمودیم و در خصوص خرج مرده دار
که بطریق سیال داری جای و نان غیره خورد
باشد مطلق از طرف شخص مرده دار در مردان و زنان

۱۶

کرده نشود و اگر خلاف حکم مایونی در جنگ
مرده خانه نموده بودند و طاهر گردید هر قدر خیر
شخص مرده دارد در مردانه و زنانه کرده بود و دو
انزالب طریق جبریده زخم از همان شخص مرده دا
گرفته میشود که تا دوباره دیگری آنچنان نکند
شروع قواعد سراج الملک فی طریق التیمیه

باب اول

مسئله جنازه و دفن و تعزیه مشتمل بر شانزده قاعده



قاعده اول



چون مسلمانی بحکم حکم آیه کریمه کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

ازین در رفتار حلت نماید جایز نیست که بمردن

مسلمانان را خبر نمایند که برای خواندن نماز ^{جنازه}

و دفن میت حاضر شوند اما اوصاف

میت را که عظمت و بزرگی او از آن معلوم ^{شود}

۱۸

نگویند - بلکه بوصف محتاجی و امیدوارتر
برحمت جناب باری تعالی نام او را یاد ^{کند فقط}

قاعده دوم

برای مردم همسایه و خویش و قوم و آشنایان
آن میت از زنانه و مردانه جائز است که بخوار
و غریه و تاسه رو بیایند - اما در صورتیکه
زنها یا نامحرم و جوان نباشد - و از آمدن ^{شان}

آنها

۱۹

شروع کند زاید و تفصیل محرم و نامحرم زن
در قواعد کار کو توالی و کلاتر با ذکر خواهد شد فقط

قاعده سوم

نوحه و فغان و بر روی زدن و موی کندن ^{بسنه}
و دیگر اعضا زدن نباشد که حرام محض و کناه ^{فقط}

قاعده چهارم

تغریه در روز اول بهتر است - و بعد از سه و

۲۰

مکروه است مگر شخصی که در سه روز غایب
باشد و یا ورثه میت بعد از سه روز در بی
حاضر شود و نیز صیوات بعد از سه روز نیز جایز نیست فقط

قاعده پنجم

نشستن در تان میت ای تغزیه تا سه روز جایز
فقط

قاعده ششم

تغزیه بر سر قبر و بدر و ازه خانه و راه عاک مکروه و ممنوع
فقط

قاعده

اقاعده هشتم

اگر اهل ورثه واقربای میت فوت و فوتی
نامشروع میگردد به تعزیه رفتن در نجاسات فقط

اقاعده نهم

طریق تعزیه نیست که چون در نزد ورثه میت

میروند بعد از ادای سلام بقرآن ستر

و حدیث مبارک و اقوال و آثار صحابه

۲۲

و مجتهدین رضی الله عنهم و ارشاد متوفی
تسلی و دجونی بکنند - و دعای مغفرت برای
واجب و صبر برای ورثه او بکنند - و ورثه او را ترغیب
بصبر و تسلیم و ضابطه قضا و قدر خداوندی نماید فقط

قاعده هفتم

باید که میت را بصفه مسلمانان و نیکوئی
یاد کنند - و بایمان و اسلام او شهادت بدهند فقط

۲۳

قاعده دهم

در وقت تغیر اظهار بیم و خوشدلی نکرده و اظهار
عجز و خفگی نموده کم گوئی اختیار کنند فقط

قاعده یازدهم

بر همسایگان نزدیک و خویشان و ندان دوا
اهل مروت مستحب است که در خانه های خود
طعام تهیه برای کفایت یک شبانه روز اهل بیت

۲۴

ببرند و در بسیاری و خوبی طعام مذکور از آنند
عادت دسترس خود را بشیر تکلیف نکنند
و باعث شوند اهل میت را بخوردن طعام
و مبالغه در آن بکنند که اهل میت از غلبه
غصه طعام میل نمیکند زیرا که طعمه
در مرده خانه تا سه روز ریخته شود مگر ^{فقط} یکست

افاع دوازدهم

نان

۲۵

نانِ نختن اهل میت و چای و غیره خوردن
برای اغنیا و مستبرین و غیره مردان و زنان
که برای سیال داری می آیند مکروه است فقط

قاعده سیر و سفر

نختن طعام در شب اول و شب سه و شب
هفت و بردن طعام یا میوه جات و نقلیات
بر سر قبر و نختن طعام برای قاریان و

۲۶

حافظان که تقسیم اجرت بجهت رسم
وسیالاری باشد نارواست فقط

قاعده چهارم

درشبهای جمعی و چهل وعیدها و برات
که برسم سیالاری نان می نهند و مردم را
می خواهند چنانچه عادت اهل زمانه است
حرام است و شرعاً درست نیست فقط

قاعده

۲۷

قاع دیانزوم

اگر و شیت صغیر باشد از مال متروکه او غیر
از تکفین و تجهیز و دین خرج کردن روایت
مکر که ورثه کبار را و از حق خود مانیت حیرت
برای فقراتیدند در هر وقت جائز است فقط

قاع دشانزوم

مستحب آنست که شب اول تاشبتم

۲۸

برای میت بقدر دسترس خیرات و صدقه
بکنند و بقصد بپزند و ترک نکنند و هرگاه
ورقه بعضی صغیر باشد باید ورقه کبار از مال
خود بکنند و از حصه صغیران نگیرند و اکثر
ورقه میت از برای فقرا و مساکین طعام
پخته کنند و ورقه صغیر نباشد خوب
و درست است و اگر بعضی از ورقه صغیر

باشد

باشند ساختن طعام از مترو که درست نیست فقط

باب دوم

مسئله اسقاط - مشتمل بر یک قاعده است که

هرگاه شخصی فوت شد و بر ذمه او نماز و روزه

و کفارت و غیره فرائض و واجبات

فوت شده باقی مانده بود که الحال بسبب

موت از قضای ما فات عاجز آمده است

۳۰

و آن میت و حیثت کرده باشد که فدیۀ نماز
و روزه فوت شده او را بدینند - شرعاً و
تاسه یک مال متروکه او نافذست پس
واجبست بر ورثه او که فدیۀ نمازها تر
فرض و و تر و روزه فرض و واجب و نذو
و کفارات را از ثلث مال متروکه او بطریق
استقاط برای فقرا و مساکین بدینند - و فدیۀ

نماز

۳۱

هر نماز و فدیة روزه یکروزه مقدار صدقه
فطرت - و هرگاه آن میت وصیت
نکرده باشد و یا از میت چیزی مال متروکه
نمانده باشد استقاط کردن بالای ورثه واجب
نیست - و همچنین اگر وصیت کرده باشد
و ثلث مال او را برای فدیة صلوٰة و صوم
و سایر حقوق واجب فوت شدگی او کفایت

۳۲

نکند بر ورثه لازمست که ثلث مال استقا
بکنند و فدیہ بدینند - و اضافہ بر آن واجب^{نفس}
و سرکاه درین سه صورت و ثلث میت از جاب^ن
خود یا استقاط کرده فدیہ حقوق فائده مرزندگان^{را}
بطریق شش بدینند جائز و محسن و مستحبست
و طریق استقاط و دوره چنانست که اول
نار یا و روزها و غیره حقوق فائده او را حساب

۱۰

۳۳

کرده یعنی از عمر مرد دوازده سال را و از عمر زن
نه سال را کم کرده باقی مانده آنرا جمع کرده همان
مقدار مال را اگر موجود باشد همراه کلام الله ^{تسبیح}
یابد و ن کلام الله برای مساکین بدهد و بگوید
که بعضی فدیة صوم و صلوات و سایر واجبات
فائده اینقدر ساله این مهیت حاضر و یا اگر غایب
باشد فلانی این فلانی که اسحال سبب موت

۳۴

از قضای مافات عاجز آمده است برای
دادم. و شخص گیرنده بگوید قبول کردم
و قبض نماید. و اگر مقدار فدیۀ مافات نشود
بلکه مال اندک حاضر باشد حساب کرده شود
که همین مال موجود فدیۀ حقیقۀ وقت بشود بطور
دوره همان مال را همراه کلام الله شریف یا بدین
کلام الله شریف بعوض فائده نما قدر است

در

۳۵

که حساب کرده شده بود مستحق بدید - و
قبول و قبض کرده مستحق دیگر بطریق قدیه بدید
و او قبول و قبض کرده مستحق دیگر بقبراء
شرح فوق بدید - و همچنین تا که حیلۀ سرتر
از برای حقوق ذمه کی میت بطریق دوره
کامل و برابر شود - که حضرت خداوند جل علی
غنی و رحیم و غفور و کریم است - و

۳۶

است که متبول شود انشا الله تعالی فقط

باب سوم

در طریقه غسل و کفن میت و میتة مثل سینه و قاعه

قاعه اول

مردہ را بہ تختہ انداختہ کہ پای او بطرف قبلہ باشد
لباس او را کشیدہ بر عورت اولنگ انداختہ و
اسپند یا عود را در دو کند مگر طاق کہ یا نہ یا هیچ فقط

قاعہ

۳۷

قاعده دوم

اول استنجا بکلوخ داده پس استنجا باب بدست
تا خوب پاک شود - مگر اینکه شخص غافل
بدست خود تله را یا خریطه پیچانیده در موضع
استنجای میت دست برساند فقط

قاعده سوم

بعد از استنجا غاسل دست خود را شسته و صورت

۳۸

مرده را بسازد - بدون مضغه و تنشاق فقط

قاع چهارم

بعد از اتمام وضو بنای غسل را نماید بآب گرم
معتدل که نه بسیار گرم بود و نه بسیار سرد فقط

قاع پنجم

ابتدای غسل از پهلوی راست شود که مرده را
بطرف پهلوی چپ مایل نموده آبراز مرده

انذار

۳۹

انداخته تا پایی او برساند - بعد در پهلوی چپ
بقاعده مذکوره عمل نماید - یعنی مرده را به پهلوی
راست مایل نموده بطرف راست او سترتا
پایی آب بیزراند - بعد از آن بسر روی و ^{سینه}
و شکم او آب انداخته تا پایی او برساند
و شکم مرده را بر می مالیده اگر خیری فضیلت
خارج شود بشوید - و جای استنجای منبت را

۴۰

نیز نشویند - و میباید که خرطیه بدست غسل

باشد و بعد از آن سروشاکفای مرده

بنرمی گرفته قدری او را بلند تر بکند که پشت

و کم و مر دو سرین او نیز شسته شود - و آب

فقط و دست غسل آن برسد تا غسل کامل شود

قاعده ششم

چون غسل دفعه اول بنا بر قاعده پنجم تمام شد

اردو

۴۱

در دفعه دوم باید که آبیکه در آن برگ مورد آشن
و غیره اشیا که چرک را دور میکند جوش داده با
یکه دفعه غسل بطریق قاعده مذکور بدهد فقط

قاعده هشتم

در مرتبه سوم بار غسل با آب خالص مانند قاعده
پنجم عمل نماید که سه دفعه پوره شود بعد از تمام
سه دفعه بسیار نرمی دست و پا در آب گرم میست

۴۲

که اگر چیزی برآمد باز بشوید و عاده غسل نکند فقط

قاعده ششم

چون از غسل فارغ شد مرده را از تخت بالا کرد
بلنگ دیگر و یا پنبه و یا چیز پاک دیگر خشک
کرده در کفن بکند و هر دو سر کفن را بسته بکند فقط

قاعده هفتم

اگر مرده مرد مسلمان بالغ بود یا مرهوق یا

مرد

۴۳

سه کفن کند. اول قمیص که از گردن تا قدم بود
دوم ازار که از ستر تا پای بود. سوم لفافه
که نیز از ستر تا پای بود. و لفافه و ازار باید که
یک تبضه از طرف سرو پای اضافه بود
که بعد از پوشاندن کفن جمع کرده بسته کنند ^{نقطه}

فصل دهم

باید که در کفن مرد زیادت و نقصان نشود. و

۴۴

که همان خیس لباس که اکثر اوقات حیات خود
می پوشیدن از همان خیس باشد اگر سفید باشد

قاعده یازدهم

در مواضع سجود مرده و کفن او کافور و عنبر
خوشبوئی انداخته بعد کفن ر بسته کند
مواضع سجود پیشانی و بینی و هر دو کف
دست و دوزانو و دو پای میسباند فقط

قاعده

۴۵

قاعه دوازدهم

اگر مرده زن بود و بالغه و مسلم و یا مرتد
باید که پنج کفن کنند قمیص و لفافه و از ابرقرا
کفن مرده مردانه باشد و اضاف بر آن دو تکه
دیگر است که یکی آن سینه بند است که عباد
از یک خرقه است که سینه و پستان
مرده را بآن میسهند دوم چهارک که

۴۶

که عرض آن بقدر یک جب و طول آن
بقدر دوزرعه شرعیست که سر مرده بآن
بسته میشود باقی ترتیب کافور و غیره بقبر
قاعده سابق باشد که در غسل مردانه ذکر یا
وزرعه شرعی قدر عرض بیست چهار انگشت
میشود اندازۀ خرقه که سینه بند گفته شود طول
سه دوزرعه شرعی و عرض از زیر بغل تا سزارانو فقط

۴۷

قاعده سیزدهم

اگر مرده صغیر که بالغ و مراهق نباشد یک
کفن کافی است - نه سه تکه حاجت لازمست
و پنج تکه - اگر چه از خنس دختر و یا بچه باشد فقط

باب چهارم

مسئله بردن قبر که مشتمل بر نه قاعده است

قاعده اول

۴۸

چون از تکفین و تجهیز و غسل و استفا و دود
صلوة جنازه بر طریقه مشروع فارغ شوند
و بردن میت را قبر براراده نمایند
مستحب و مستحسن آنست که با اتفاق
اهل میت و اقربا و همسایگان و اهل گد
میت قبرستان همراه جنازه بروند
که رفیق همراه جنازه از نماز نفل بهترست فقط

قاعده

۴۹

قاعده دوم

باید که در برابر کردن اسباب دفن مرده بیل
و چاکلی نمایند که مستحب است - اما انقدر
چاک ببروند که بمنیت آسید از حرکت آنها
و نیز بر مردمان که در عقب جنازه میروند تکلیف فقط

قاعده سوم

در وقت بردن میت بسوی قبرستان

۵۰

بہتر آنست کہ از عقب جنازہ بروند
وقتیکہ قبرستان رسید جنازہ را بطرف
قبلہ قبر نہادہ مرد را از طرف قبلہ داخل قبر

قاعۂ چہارم

در وقت نہادن مردہ قبر بگوید کہ بسم
و بابت وضع خاک و علی ملہ رسول اللہ صلی
و روی مردہ را بطرف قبلہ کنند و کفن را

کفن

۵۱

که از طرف سرو پای مرده بسته شده بود
باز نماید - و بعد از بسته کردن قبر او را خاک را
از طرف سمتیت سه بار انداخته بعد از آن
همان خاکی که از قبر کشیده شده بود بر سر قبر
و قبر را بمثل کوهان اشتر بسیار زد که بلند شود
یک وجب و یا اندک بلند تر باشد
و زیاده از خاک نکند و زنند از آنکه کسی

۵۲

قاعه نهم

انگ شستن بعد از دفن بقدر روح یک است

و قیمت کردن گوشت آن از برای دعا و یا

از برای قیامت است - و نیست باک بپاشیدن

آب بر قبر بعد فراغ دفن که تا خاک او منتشر شود فقط

قاعه دهم

چهری قبر بقدر نصف قامت ضرورت

و افزاید

۵۳

واضافه از آن تا بقدر قامت درست
و اگر زمین سخت باشد کج ساخته شود
و اگر زمین نرم باشد شق گردد شود و مستحبت
که بعد از دفن اول و آخر سوره بقره را بخواند فقط

قاعه هفتم

رفتن ز کفن او بردن آتش حمچه
در بین قبر نهادن و بویا و عینر و خیر را

۵۴

که بطریق فشرش در بین قبر انداخته شود
و مرده را بالای او گذاشتن نیکو است فقط

قاعده ششم

بعد از فراغ دفن و دعا و قرائت قرآن باید که
متفرق شوند. اهل میت بکار خود و دیگر
مردم بکار خود مشغول شوند. و در تغزیت و فاقه
تفصیل میل اند کور فوق معمول خواهند شد فقط

قاعده

۵۵

قاعه پنجم

دفن نمون میت در مقبره همان جائیکه فوت
شده باشد بهترست و سرگاه بدگیر شهر و ولایت
قبل از دفن برداشته و پاک نیست - و ترک او
اولیست و بعد از دفن مکرر است و ^{فقط} رواست

اعلام حضور انور

وقوعه خضریه داری بقبر از فوق است که مذکور شد

۵۶

وبعد از دفن مرده بقرار شرعی که در قواعد فوق
شده مردها متفرق میشوند و صاحب مرد
که بخانه خود می آید سه روز گلیزار سی خود را
باین طریق میکند که از مردانه و زنانه قومی اقربا
و بمسایه از صبح الی آفتاب گشت که آفتاب
مراد از نصف و درست مردانه و زنانه بقرار
قواعد فوق شخصیکه برضای خود در ای فاتی می آید

آمده

۵۷

آمده فاتحه بدینند و بروند و بعد از آفتاب
که مراد از نصف روز نیست که بر دو خانه روند
و باز سر صبح تا آفتاب گشت که مراد از نصف روز
میباشد بروند مدعا که تا سه روز همین قرار
معمول بدارند و چای و نان و غیره خوردنیها
و چای مطلق از طرف مرده دار از مردانه و زنانه
موقوفست که خرج چای و نان و غیره خوردنیها

۵۸

و چلم مطلق نشود و اگر شخصی از اقربا و قومی
یا همسایه یا همراه اهل مرده خانه رضای خود
می شیند خوراک خود را آنچه بکار او شود از خود
و برده دار از طرف مردانه و زنانه تکلیفی نیست
و اینکه اقوام مرد دار از خانه های خود زنان بیاورند
آوردن نان شان حکمی نمی باشد اگر کسی
تا سه روز از اقوام او در خانه مرد دار بماند از خا^{خود}

نان

۵۹

نان و چای و حلیم و غیره خوردنی بخوابد و مرد
برای چکس نماند و نه چای و نه حلیم و غیره
خوردنی بدید - و در مرده خانه از طرف مرده
چای دادن و نان دادن و حلیم دادن و غیره
خوردنی مطلق موقوف است و اگر
شخص مرده در تخلف از حکم نمود بود بقرار
اعلام ابتدای کتاب بدارخواست ^{فقط}

٦٠

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب

در عهد پادشاه عدالت گستر و خردین پرو

حضرت شهریار عظمیت مدار امیرین الامیر

سراج المله والدين امير صيب الدين

خلد الله ملكه مسامتة بعد سراج الملك في طريق

مطبع دار المطبعة السبع و اتمام قد حى حانقشان حاج

النجا و تعلم حاجيد على احرار و شريعت الشاه اسم اعظم

۱

فهرست قواعد برای الملک فی طریق التفرید در مسئله خارجه و

باب اول

در مسئله خارجه و فنون تفرید شامل بر سائرده قاعده در صفحه ۱۶

باب دوم

در مسئله نقاط شامل بر یک قاعده در صفحه ۲۹

باب سوم

در خط تفرید و کفین مبتدئ و متقدم شامل بر سائرده قاعده در صفحه ۳۶

۲

باب چهارم

در مسئله بردن قیاسی که مشتمل بر نه فاعده در صفحه ۴۴

اعلام حضور انور والا در صفحه ۵۵

بقرایاها و قواعدی که در کتاب این قوم هست فهرست آن
قواعد در صفحات آخر شده مولا از دست تحلف و انحراف نور



جای هر مبارک حضرت شیرازی

در بیست و یکمین سال

